

## بررسی فقهی سود بانکی

رحمت الله اخلاقی<sup>۱</sup>

### چکیده

تجهیز و تخصیص منابع پولی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت نظام بانکی است. بانک‌ها با راهکارهای مختلف، وجوه مازاد را جمع‌آوری می‌کنند و در مرحله بعد به متقاضیان تأمین مالی واگذار می‌نمایند.

در میان ابزارهای تجهیز منابع در نظام بانکی، سپرده‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کنند. سپرده به وجهی اطلاق می‌شود که دارندگان وجوه مازاد در اختیار بانک می‌گذارند و بانک‌ها پس از یکپارچه کردن سپرده‌ها آن‌ها را در قالب تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان تأمین مالی قرار می‌دهند.

در نظام بانکی متعارف، پذیرش سپرده‌ها بر اساس نظام بهره صورت می‌گیرد. دارندگان وجوه مازاد با سپرده‌گذاری در بانک عملاً وجوه خود را به بانک قرض داده و بهره معینی دریافت می‌کنند؛ متقاضیان تسهیلات نیز در ازای پرداخت بهره از بانک‌ها قرض می‌گیرند. طبیعی است که مابه‌التفاوت بهره پرداختی به سپرده‌گذاران و بهره دریافتی از گیرندگان تسهیلات، سود بانک را تشکیل می‌دهد.

باتوجه به حذف ربا در بانکداری اسلامی، ربوی نبودن سازوکارها در سود بانکی، معیار اساسی در تحلیل بانکداری اسلامی است؛ اهمیت این معیار به حدی است که ایده بانکداری اسلامی در آغاز بنام بانکداری بدون ربا مطرح شد. بنابراین، نمی‌توان از شیوه ربوی برای جذب و تخصیص منابع پولی در نظام مالی اسلامی استفاده نمود؛ اندیشه‌وران اسلامی به منظور شکل‌دهی نظام مالی و بانکداری اسلامی در صدد ارائه جایگزین‌هایی کارآمد و مطابق با اهداف و مبانی اسلامی برآمده‌اند تا در عمده موارد از عقود اسلامی بجای سازوکار ربوی استفاده شود.

باتوجه به این‌که بررسی فقهی توزیع سود سپرده‌های بانکی، با چگونگی تجهیز و با شیوه‌های تخصیص سپرده‌ها مرتبط است، سازوکار بانکداری اسلامی با استفاده از قراردادهای فقهی طراحی و تنظیم می‌شود. پس تحقق موازین فقه معاملات، شرطی اساسی در مشروعیت آن است.

**کلیدواژه‌ها:** سود بانکی، سود تسهیلات، سپرده‌گذاری، فروش اقساطی، مضاربه، خرید دین، قرارداد مشارکتی.

---

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه ارشد اقتصاد، جامعه المصطفی العالمیه [rakhlaqi@yhoo.com](mailto:rakhlaqi@yhoo.com)

## مقدمه

«سود» پدیده ناشی از تولید، مبادله و... در همه نظام‌های اقتصادی از جمله در نظام اقتصادی اسلام به‌طور کلی به رسمیت شناخته شده است، ولی از آنجا که فعالیت‌های اقتصادی متنوع است، سود ناشی از آن‌ها نیز متفاوت است و هر نوع سود که از فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید جایز نیست بلکه باید سودآوری تحت شرایط ویژه و در چهارچوب قانون شرع باشد. در این زمینه در فقه عامه مقالات و کتاب‌هایی نگاشته شده ولی در فقه امامیه هرچند در گذشته سود به تبعیت از معاملات و قراردادهای رایج قدیمی بحث شده، ولی با توجه به اشکال جدید معاملات و قراردادها و موردی بودن آن‌ها، بحث جامع و نظام‌مندی تاکنون در این زمینه صورت نگرفته است. هدف نگارش آن است که حکم فقهی سود را در فعالیت‌های بانکی بیان نماید.

## مفاهیم

به‌طور کلی در ابتدای هر تحقیق باید به یک سری مفاهیم و کلیدواژه‌های مربوط به آن که نقش کلیدی در تبیین و تفهیم آن تحقیق دارد، بحث شود. در این مقاله نیز از مفاهیم اساسی همانند سود، ربح، فائده و ... بحث می‌شود.

## سود

«سود» یک واژه عربی-فارسی است که کاربرد دوگانه در زبان عربی و فارسی دارد. در لغت عرب سود جمع اسود به معنای سیاهی می‌باشد که ربطی به بحث ما ندارد، اما این واژه در زبان فارسی (دهخدا، ۱۳۴۵، ۷۰۱-انوری، ۱۳۸۱، ۵، ۴۳۰۱-۴۳۰۲) به معانی ذیل آمده است:

«نفع»، که در مقابل زیان و ضرر استعمال می‌شود. «ربح»، «حاصل شدن»، «ظفر یافتن» و «پیشرفت» (معین، ۱۳۶۰، ۱۹۴۶، ۲). از میان معانی مزبور در زبان فارسی آنچه بیشتر به این بحث مربوط است معانی نفع و ربح می‌باشد. قرآن کریم نیز به این معانی اشاره نموده می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» (شعراء، ۸۸). و «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (بقره، ۱۶).

سود در اصطلاح اقتصادی عبارت است از: «درآمدی که در معامله تجاری یا کار تولیدی با محاسبه سرمایه و کسر هزینه‌ها به دست می‌آید» (انوری، همان). به عبارت دیگر، سود عبارت است از: «خالص تفاوت بین قیمت خرید و قیمت فروش یک قلم دارایی یا یک نوع اوراق بهادار، البته هنگامی که قیمت فروش از قیمت خرید بیشتر باشد» (جهانخانی، ۱۳۷۵، ۱۹۳). بنابراین هرگاه یک سرمایه پولی، در جریان یک فعالیت تولیدی-خدماتی در بخش حقیقی اقتصاد قرارگیرد، عایدی به‌جای مانده پس از کسر تمام هزینه‌ها، سود محسوب می‌شود.

هزینه بنگاه - درآمد بنگاه = سود اقتصادی بنگاه

## مفاهیم مشابه سود

بعد از بررسی مفهوم سود، اکنون به بررسی مفاهیمی می‌پردازیم که از لحاظ معنایی مشابه واژه سود می‌باشد؛ به عبارت دیگر مفاهیمی که با واژه سود اشتراک معنایی دارند، این مفاهیم عبارت‌اند از:

### ۱- عائد

عائد جمع آن عود و عواید، در لغت به معنای «منفعت» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۱۸۳-فراهیدی، ۱۴۰۸، ۲، ۲۱۹-۲۱۸). آمده است، که با واژه سود در این معنا مشترک می‌باشد.

واژه «فائده» مفرد مؤنث اسم فاعل از ریشه «ف-ی-د» جمع آن فوائده می‌باشد؛ در لغت به معانی ذیل آمده است:

۱- آنچه انسان از علم، مال، عمل خویش استفاده می‌برد. (جوهری، ۱۳۶۸، ۲، ۵۲۱-طریحی، ۱۴۱۶، ۳، ۱۲۳).
۲- هر خیرکه از طرف خداوند به انسان رسیده و انسان از آن استفاده نماید. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۶۶۴- ابن منظور، ۱۴۰۵، ۳، ۳۴۰-۳۴۱-فراهیدی، ۱۴۰۸، ۸، ۷۹).
۳- زیادی که برای انسان حاصل شود. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۵، ۱۷۳- شرتونی، ۱۳۰۴، ۲، ۹۵۵).

این واژه همان‌طورکه از اسامش پیداست، هم‌معنا و مترادف با واژه سود می‌باشد؛ زیرا فایده یعنی آنچه انسان از آن (پول، مال و...) استفاده می‌برد. سود نیز همین معنا را دارد؛ درواقع استفاده بردن انسان از چیزی را اسم دیگرش، همان سود بردن انسان از آن چیز است.

### ۳- ریح

«رِیح» بر وزن فَعَل از ماده «رِیح» بر وزن عَلِمَ در لغت به معنای نماء و زیادی در تجارت و پرداخت زیادی قرض کننده به قرض دهنده طبق آنچه که توافق نموده‌اند به‌کاربرده می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۴۷۴- فراهیدی، ۱۴۰۸، ۳، ۲۱۷، جوهری، ۱۳۶۸، ۱، ۳۶۳- ابن منظور، ۱۴۰۵، ۲، ۴۴۲- طریحی، ۱۴۱۶، ۲، ۳۵۱- زبیدی، ۱۴۱۴، ۴، ۴۳- ۴۴).

در قرآن کریم «ریح» به همین معنا استعمال شده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (بقره، ۱۶). آن‌ها کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته‌اند و (این) دادوستد آن‌ها سودی نداده و هدایت نیافته‌اند.

اسناد فعل «ریح» به تجارت مجاز می‌باشد درواقع آن‌که سودکرده شخص تاجر است نه خود تجارت، بلکه تجارت چیزی است که ریح در آن حاصل و پیداشده است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۲، ۴۴۲- طریحی، ۱۴۱۶، ۲، ۳۵۱- زبیدی، ۱۴۱۴، ۴، ۴۳- ۴۴). به عبارت دیگر ریح گاهی به صاحب کالا نسبت داده می‌شود و گاهی به خود آن کالا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۳۸).

### ۴- نفع

نَفَع کلمه عربی- فارسی مصدر (اسم) فعل «نَفَع» از ریشه «ن-ف-ع» ضد ضرر، در لغت به معنای خیر، بهره، سود (جوهری، ۱۳۶۸، ۳، ۱۲۹۲- ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵، ۴۶۳- راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۱۹، ابن منظور، ۱۴۰۵، ۸، ۳۵۸- طریحی، ۱۴۱۶، ۴، ۳۹۷- فراهیدی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۵۸- زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۱، ۴۸۵- قرشی، ۱۴۱۲، ۷، ۹۶). و چیزی که انسان توسط آن به مطلوب خویش می‌رسد، آمده است؛ بنابراین نفع یعنی نفع بردن یا نفع رساندن (معین، ۱۳۶۰، ۴، ۴۷۷).

در قرآن کریم نیز به همین معنا به‌کاررفته است. «...وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا تُشُورًا» (فرقان، ۳) ... و مالک زیان و سود خویش نیستند، و نه مالک مرگ و حیات و روز رستاخیز خویشند. «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...» (اعراف، ۱۸۸). بگو من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد.

در اصطلاح فقها نیز به همان معنای لغوی به‌کاربرده می‌شود یعنی رسیدن به منفعت (مکی عاملی، ۱۴۱۸، ۲، ۲۲).

### ۵- ربا

ربا از ریشه (ر-ب-و) در لغت به معنای زیادی و نماء آمده است. گویند: «ربا یربو» یعنی زیاد شد (طریحی، ۱۴۱۶، ۱۳۸). در قرآن نیز به همین معنا استعمال شده است؛ «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ...» (بقره، ۲۷۶). خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد؛ و «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ...» (روم، ۳۹). آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فرونی یابد، نزد خدا فرونی نخواهد یافت...

روشنی حکم تحریم ربا و مستند بودن آن به قرآن، سنت و اتفاق مسلمانان به قدری واضح است که جای هیچ بحث و گفتگویی نمی‌ماند. شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادها، ممنوعیت ربا از دیدگاه اسلام باشد. در حالی که ربا و بهره در تار و پود اقتصاد متعارف حضور دارد، اسلام به شدت تمام از آن نهی کرده است. در اصطلاح فقهی، بیع هم‌جنس به هم‌جنس (مانند گندم به گندم) در مکیل و موزون به شرط اضافه گرفتن را بیع ربوی و قرض دادن به شرط اضافه شدن را، قرض ربوی می‌گویند (کرکی، ۱۴۰۸، ۴، ۲۶۵- جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۲۲۷- موسویان، ۱۳۸۶، ۱۴۸).

## ۶- بهره

بهره (**Interest**) در لغت به معانی: حصه، نصیب، حظ، قسمت، سود، نفع، حاصل، محصول، سود بانکی و فایده آمده است (دهخدا، ۱۳۴۵).

بهره درست و واژه دیگری برای سود است و دارای مشخصه‌های زیر است:

۱. در قرارداد وام تعیین می‌شود.
۲. پرداخت قطعی و مطمئن در زمان حال صورت می‌گیرد.
۳. بازپرداخت مشروط به مازاد یا توفیر است.
۴. وام‌دهنده خود را از مبلغ وام جدا می‌کند و ملکیت وجوه را به وام‌گیرنده انتقال می‌دهد؛ در نتیجه، برای او مصرف وام مهم نیست؛ بلکه بازگشت اصل و فرع وام مهم است.
۵. موعدها مشخص است.
۶. بهره را سهم کسی که به سرمایه‌گذار قرض داده است معرفی کرده‌اند. بنابراین، جایگاه بهره در اقتصاد در قرارداد وام است (<https://donya-e-eqtesad.com>).

اگر وام‌گیرنده مبلغی پول را برای مدتی معین وام بگیرد، مبلغی را که در آینده باید به وام‌دهنده بازپرداخت کند، معمولاً بیش از مبلغ دریافتی اولیه خواهد بود. این پرداخت اضافی، بهره نام دارد که می‌توان آن را به صورت «نسبت تفاوت مبلغ دریافتی و مبلغ بازپرداخت شده در پایان یک دوره معین به کل مبلغ دریافتی» بیان کرد (جهانخانی، ۱۳۷۵، ۱۱۷).

هرچند واژه بهره در لغت به معانی زیادی آمده است ولی قدر جامع همه آن‌ها معنای سود و نفع می‌باشد که با معنای اصطلاحی (سود پول) یکی است و بیشتر کاربرد آن در بهره بانکی و پولی می‌باشد.

## سودآوری از نظر اسلام

کسب سود و درآمد از اندوخته‌های مالی، افزون بر این که عقل سلیم و سیره عقلا بر جواز آن دلالت دارد از دیدگاه آیات و روایات نیز یک حق شرعی و قانونی به حساب می‌آید؛ اما جایگاه مفهوم سود و منفعت از نظر قرآن و روایات در نگاه سطحی طوری انگاشته می‌شود که دنیاطلبی و سودجویی کاری پسندیده نیست و از نظر اخلاقی منفور دانسته شده و قرآن در تعالیم خویش، مسلمانان را نسبت به آن پرهیز داده است و این بینش موجب رکود تولیدات و ضعف رونق اقتصادی خواهد شد. اسلام نه تنها استفاده از اموال را نشانه ایمان جوانمردی و بی‌نیازی دانسته و راکد گذاشتن آن را مذموم می‌شمارد، بلکه توجه به کیفیت به‌کارگیری اموال را نیز داشته و تخصیص بهینه منابع را مدنظر دارد.

با تدبّر در آیات قرآن و احادیث معصومین<sup>(ع)</sup> روشن می‌شود سود و ثروت، از نظر اسلام، به‌طور مطلق محکوم و مطرود شمرده نشده است؛ بلکه آنچه در منابع اسلامی، در رابطه با نکوهش ثروت طلبی و دنیاگرایی آمده است، ناظر به هدف مطلق قرار دادن ثروت و سود است.

کسانی که تنها ثروت مادی را هدف اصلی خود قرارداد؛ و همواره برای افزایش آن کوشش می‌کنند و هرگونه وسیله‌ای را برای کسب سود تجویز می‌نمایند، ارزش و اعتبار خود و افراد جامع را بر اساس آن قرار می‌دهند، از آن‌ها مذمت شده و جاهل و گمراه به شمار آمده‌اند.

### ۱- آیات

درآیاتی از قرآن اشاره شده است که ثروت مایه امتیاز ثروتمند بر دیگران نیست، هم‌چنین موجب رستگاری و یا رهایی از عذاب الهی در آخرت و موجب جاودانگی انسان در دنیا نخواهد بود.

آیه ای «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ...» و هرگز اموال و اولادتان چیزی نیستند که شمارا به درگاه ما نزدیک کنند (سبأ، ۳۷). «وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ» کفار گفتند ما دارای اموال و اولاد بیشتری هستیم، بنابراین ما عذاب نمی‌شویم (سبأ، ۳۵).

در قرآن به داستان قارون اشاره شده که چگونه با ثروت، خود را از خدا بی‌نیاز می‌دید ولی ثروت او نتوانست او را از عذاب الهی در دنیا نجات بخشد و با همه اموالش در زمین فرو رفت. هم‌چنین درباره ابولهب ثروتمند بزرگ مکه که به مخالفت با پیامبر (ص) برخاسته بود؛ می‌فرماید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ مَا أُغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ سَيِّئِلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ» دست ابولهب بریده و او نابود باد، مال و درآمدش او را بی‌نیاز نساخت، به‌زودی در آتش شعله‌ور درافتد (مسد، ۱-۳).

بنابراین، نکوهش و محکومیتی که در منابع اسلامی از سود و ثروت طلبی شده است، به دلیل هدف مطلق و مایه‌ای امتیاز قرار دادن ثروت است که نکوهیده، موجب بدبختی، فساد، بی‌عدالتی و ظلم در جامعه است. در مقابل آیات دیگری وجود دارد که استفاده از مال و سود طلبی، برای اهداف عالی، پسندیده شمرده و حتی آن را به‌منظور برقراری جامعه و اشباع نیازهای صحیح انسان‌ها واجب دانسته است و از آن در قرآن به‌عنوان نعمت الهی (انفال، ۵۳، ابراهیم، ۳۴، نحل، ۱۸، ۸۱ و ۱۱۴ و زمر، ۸ و ۹) رزق (بقره، ۶۰، یونس، ۵۹، رعد/ ۲۶، اسراء/ ۳۰، قصص/ ۸۲، عنکوت/ ۱۷، روم/ ۳۷) طیبات (مائده/ ۴، ۵، ۸۷ اعراف/ ۱۵۷، انفال/ ۲۶، یونس/ ۹۳، نحل/ ۷۲، اسراء/ ۷۰)، فضل (بقره/ ۲۵۳، آل عمران/ ۱۷۴، نساء/ ۵۴ و ۵۹، انعام/ ۸۶، نور/ ۲۲، جمعه/ ۱۰، مزمل/ ۲۰)، رحمت (یونس/ ۲۱، هود/ ۹، اسراء/ ۱۰۰، روم/ ۳۳، ۳۶، فاطر/ ۲، زمر/ ۴۸، فصلت/ ۵۰، شوری/ ۴۸) حسنه (اعراف/ ۱۳۱) و خیر (بقره/ ۱۸۰، ۲۱۵، ۲۷۲، ۲۷۳ و تغابن/ ۱۶) نام‌برده است.

### ۳- روایات

در زمینه سود، روایات فراوانی وجود دارد که در ابواب معاملات مختلف فقهی همانند مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله و... وارد شده است به‌عنوان شاهد به چند تا از روایاتی که اشاره به مطلوبیت و جواز مطلق سود دهی و سودآوری دارد اشاره می‌شود:

۱- امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «به‌درستی بقای اسلام و مسلمین در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را می‌دانند و می‌توانند به نحو صحیح از آن استفاده کنند و همانا فنای اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد که حق آن را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به روش صحیح از آن‌ها بهره‌برداری کنند» (الکافی، ج ۴، ۲۵).

۲- عذافر از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که ایشان هزار و هفتصد دینار در اختیار من قرار دادند و فرمودند: «با این اموال برای من تجارت کن، سپس فرمودند: ای عذافر! سود امر پسندیده و مرغوبی است، لکن من (به‌عنوان امام) رغبت در آن سود ندارم، اما دوست دارم که خداوند ببیند که من این اموال را در معرض سود دهی قرار داده‌ام. عذافر می‌گوید: از طریق آن اموال صد دینار سود بردم و به حضرت خبر دادم؛ ایشان خیلی خوشحال شدند و فرمودند: آن را به سرمایه‌ام اضافه کن» (وسائل الشیعه، ج ۱۷-۴۳-۱۱، ۴۳).

۳- روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> به نقل از امام باقر<sup>(ع)</sup>، در پاسخ کسی که درباره دینار و درهم (پول) و وظیفه مردمان درباره آن‌ها پرسید: «این‌ها مهرها و سکه‌های خدا در زمین او است، آن‌ها را برای سامان یابی زندگی خلق (و گذران امور) قرار داده

است و به وسیله آنها کارهای مردم روبه راه می شود و نیازهای آنان برآورده می گردد» (وسائل الشیعه / ج ۹ / ۳۰ / ۳ ، ۲۰. البرهان فی تفسیر القرآن / ج ۲ / ۷۷۱ / [سوره التوبه (۹): ۳۴ الی ۳۵] ... ص: ۷۷۰. الحیاه / ترجمه احمد آرام / ج ۵ / ۱۲۵ / ۱۲۱. ری شهری، محمد، میزان الحکمه ج ۹ (۲۸۵).

۴- از امام صادق (ع) آمده است که مردی به ایشان عرض کرد: «به خدا سوگند! ما طالب دنیا هستیم و دوست می داریم که (ثروت) به ما داده شود؛ فرمود: دوست می داری با آنچه کنی؟ گفت: به خود و خانواده ام برسم و صله و صدقه بدهم و حج و عمره انجام دهم؛ امام (ع) فرمود: این طلب دنیا نیست، این طلب آخرت است» (وسائل الشیعه / ج ۱۷ / ۳۴ / ۷، ص ۳۳. الکافی / ج ۵ / ۷۲ / ص ۷۱).

از مجموع این آیات و روایات، چنین به دست می آید که مال و ثروت، از دیدگاه ارزشی و اخلاقی اسلام، هدف مطلق نیست، لکن وسیله لازم و ضروری، برای رسیدن به هدف های مقدس و مشروع قلمداد می شود و به این ترتیب قداست و مشروعیت پیدا می کند.

خلاصه این که مفهوم سود از نظر اسلام شامل سودهای معنوی و یا اخروی نیز می شود حتی آن ها سودهای بالاتر و والاتری از سودهای دنیوی تلقی می شوند که تأمین منافع اجتماعی دیگران، در راستای رسیدن به منافع و سودهای شخصی افراد قرار می گیرد؛ زیرا چه بسا ضرر شخصی دنیوی موجب نفع فراوان و مضاعف اخروی شود و سود نقد دنیا موجب زیان عظیم آخرت باشد. اسلام، با ارائه این جهان بینی و دیدگاه، حفظ منافع اجتماعی، سبب منفعت خود فرد به معنای وسیع آن می گردد.

### سود بانکی

ارتباط مردم با بانک ارتباط چندجانبه می باشد و ممکن است به چند شیوه صورت بگیرد؛ گاهی این ارتباط از جانب مردم است که می تواند در قالب سپرده قرض الحسنه و سپرده پس انداز باشد؛ و گاهی از جانب بانک که می تواند در قالب مضاربه، جعاله، مزارعه و... باشد.

فعالیت و سودآوری بانکی را می توان از نظر سود بخشی و سود دهی به دودسته تقسیم کرد: دسته اول سودهای که مردم از بانک می گیرند؛ دسته دوم سودهای که مردم به بانک پرداخت می کنند؛ هر کدام از این ها خود می تواند به اقسام دیگر قابل تقسیم باشد.

وجوهی را که افراد ودیعه یا امانت به بانک می سپارند و بانکها نیز متعهد می شوند که هنگام درخواست مشتری یا بر اساس شروط معین معادل آن را برگردانند، در اصطلاح «سپرده» نامیده می شود (تسخیری، ۱۳۹۰، ۶۶۵).

### ۱- سپرده گذاری قرض الحسنه

یکی از آموزه های اقتصادی اسلام به منظور حمایت از نیازمندان و قشرهای آسیب دیده جامعه، ترغیب و تشویق مسلمانان به اعطای قرض الحسنه است. بایشرفت زمان و گسترش جوامع، رفتار قرض الحسنه نیز توسعه کمی و کیفی یافته و به تدریج در کنار قرض های فردی، قرض الحسنه خانوادگی، صنفی و صندوق ها و مؤسسه های قرض الحسنه عمومی شکل گرفت. اینان وجوه مازاد بر نیاز افراد خیر را در اختیار نیازمندان قرار می دهند و مشکلات فروانی از طبقه پایین و متوسط جامعه را حل می کنند.

طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانکها مجازند تحت عناوین ذیل مبادرت به قبول سپرده و تجهیز منابع نمایند، این قبول سپرده و تجهیز منابع، از چند جهت امکان پذیر هست، از جمله سپرده های قرض الحسنه که می تواند به دو نحو صورت بگیرد:

## ۱-۱ سپرده‌های جاری

سپرده‌های جاری، حسابی است که توسط مشتری افتتاح می‌شود تا وجوه خود را به بانک بسپارد و حق برداشت همه یا بخشی از حساب را در هر زمان برای خود حفظ کند (نظریه و موسویان، ۱۳۳۹، ۲۰۶).

### ویژگی‌های این نوع سپرده :

الف) حساب جاری ماهیت قرض دارد، در این حساب اشخاص حقیقی یا حقوقی، می‌تواند از طریق دست چک یا فرم‌های مشابه از موجودی حساب خود به هر اندازه و به هر صورتی که مایل باشد طبق مقررات بانک، برداشت نماید.

ب) بانک در مقابل مشتری، پرداخت اصل سپرده را تعهد می‌کند (تسخیری، ۱۳۹۰، ۶۶۹).

ج) به سپرده‌های جاری به دلیل اینکه ماهیت قرض دارد سود تعلق نمی‌گیرد؛ ولی زمینه تجارت و مبادلات اقتصادی را برای صاحبان سپرده تسهیل می‌کنند و این امر باعث رغبت آنان به گشایش حساب جاری نزد بانک‌هاست (کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۸۴، ۲۲۰).

## ۱-۲ سپرده‌های پس‌انداز

منظور از سپرده پس‌انداز، سپرده‌ای است که افراد با انگیزه‌های گوناگون در بانک نگهداری می‌کنند و هنگام نیاز به آن، تمام یا مقداری از آن را دریافت می‌نمایند. انگیزه پس‌انداز کنندگان عمدتاً برخورداری از امنیت برای دارایی خود، استفاده از بهره و سایر تسهیلاتی است که به پس‌انداز کننده تعلق می‌گیرد (توکلی، ۱۳۹۲، ۶۲).

سپرده‌های پس‌انداز از دیدگاه حقوق اسلامی به دو صورت قابل تفسیر است:

الف) حسابی است که به موجب آن اشخاص وجوهی را به حساب خود نزد بانک واریز کرده و به‌عنوان عقد قرض به بانک تحویل می‌دهند تا بانک آن سرمایه‌ها را در مسیر قرض دادن و یا امور دیگر صرف کند. در ضمن صاحبان حساب می‌توانند در صورت نیاز وجوه خود را جزئی یا کلی از بانک دریافت نمایند (نظریه و موسویان، ۱۳۳۹، ۲۰۶).

ب) براساس رابطه حقوق وکالت؛ که شهید صدر (ره) بانک بدون ربا را وکیل از طرف صاحبان پس‌انداز در به‌کارگیری منابع پس‌انداز شده می‌داند، بانک در ازای خدمات خود، از سپرده‌گذاران حق‌الوکاله دریافت می‌کند (شهید صدر، ۱۴۰۱، ۲۱).

### ویژگی‌های این نوع سپرده

الف) این حساب این امکان را به مردم می‌دهد تا وجوه مازاد بر نیاز خود را به هر میزانی که باشد به بانک بسپارند و هر موقع که احتیاج داشتند، دریافت نمایند؛ افزون بر آن صاحبان این حساب‌ها در امر قرض‌الحسنه‌ی اعطایی از طرف بانک، مشارکت کرده و از اجر و ثواب اخروی آن بهره‌مند می‌گردند. بانک می‌تواند بخشی از این وجوه را به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص دهد و بخش دیگر را در عقود اسلامی به کار گرفته و کسب سود کند.

ب) در سپرده‌های قرض‌الحسنه، بانک پرداخت اصل مبلغ سپرده را تعهد می‌کند.

ج) ماهیت این سپرده‌ها قرض است؛ بنابراین هیچ‌گونه سودی به این سپرده‌ها تعلق نمی‌گیرد.

د) جوایزی را که بانک‌ها از طرف خودشان بدون هیچ پیش‌شرطی به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه به صورت قرعه‌کشی می‌دهند، اشکال شرعی نداشته و گرفتن آن حلال است (تسخیری، ۱۳۹۰، ۶۷۰).

فرایند سود، در سپرده قرض‌الحسنه به این نحو است که افراد، با سپرده‌گذاری در بانک سود مادی نمی‌برند، بلکه از سود و منفعت اخروی برخوردار می‌شوند؛ زیرا در صورت گرفتن سود مشمول ربا می‌شود. ممکن است گاهی اوقات در قرعه‌کشی که از طرف بانک بر گزار می‌شود، شرکت داده‌شده و با قید قرعه جوایزی به نام او بیرون شود که گرفتن آن مشکلی نداشته و حلال است. ولی بانک با اندوخته‌های سپرده‌گذاران که به‌عنوان قرض جمع‌آوری نموده است، به دو صورت می‌تواند سود ببرد.

۱- از طریق اعطای وام قرض الحسنه به افراد نیازمند که در این صورت علاوه بر سود و منفعت معنوی، در جامعه افراد نیازمند و فقیر کم شده و جامعه رشد می‌کند.

۲- بخشی از وجوه جمع شده را از طریق عقود اسلامی به کارگرفته علاوه بر اشتغال‌زایی و رونق اقتصادی جامعه، کسب سود نماید.

در مجموع سود حاصل از این نوع سپرده برای سپرده‌گذار که از طرف بانک به‌عنوان بخشش، جایزه و... پرداخت می‌شود، جایز و بلاشکال است و از طرف دیگر سودی که بانک با سرمایه‌گذاری و عقود اسلامی به دست می‌آورد، صحیح و حلال است.

## ۲- سپرده‌های سرمایه‌گذاری (مدت‌دار)

سپرده‌گذار با افتتاح حساب سرمایه‌گذاری به بانک وکالت عام می‌دهد تا سرمایه‌ی او را همراه با سرمایه‌ی سایر سپرده‌گذاران و منابع سهامداران خود، به‌صورت مشاع در فعالیت‌های اقتصادی شرعی و قانونی به کار گرفته و منابع حاصله را بعد از کسر حقالوکاله (مطابق ضوابط بانک مرکزی) بین سهامداران خود و سپرده‌گذاران تقسیم نماید (نظرپور و موسویان، ۱۳۳۹، ۲۰۶).

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به سه گروه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی می‌شوند.

### ۳- ۱ ویژگی‌های سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

الف) در سپرده‌های سرمایه‌گذاری، رابطه بانک و صاحب سپرده رابطه وکالت است. بانک وجوه این حساب‌ها را با وکالت از صاحبان سپرده در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به‌شرط تملیک، جعاله و غیره به کار می‌گیرد و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد متناسب با مدت و مبلغ سپرده و با رعایت سهم منابع سهامداران بانک، پس از کسر هزینه‌ها و حق‌الوکاله، بین صاحبان سپرده تقسیم می‌کند (توکلی، ۱۳۹۲، ۱۲۹- تسخیری، ۱۳۹۰، ۶۶۹).

ب) بانک به‌عنوان شریک سپرده‌گذاران ضرر احتمالی را برعهده گرفته و پرداخت اصل سپرده را تعهد می‌کند.

ج) سود حاصل از به‌کارگیری سپرده‌ها در ابتدای دوره معلوم نیست، بانک بر اساس نظر کارشناس، سود انتظاری را محاسبه کرده و در مقاطع خاصی مثلاً ماهانه، فصلانه یا سالانه درصدی را به‌عنوان سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران می‌پردازد. باقی سود محقق شده اگر بیشتر از سود علی‌الحساب باشد، به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود ولی چنانچه سود محقق شده در پایان مدت قرارداد، کمتر از سود علی‌الحساب پرداختی باشد، بانک این مابه‌التفاوت را به نفع سپرده‌گذاران صلح و از دریافت آن امتناع می‌کند (توکلی، ۱۳۹۲، ۱۳۳ و ۱۳۸).

### ۲- ۲ فرایند سود حلال در معاملات بانکی

ممکن است گفته شود چگونه با وجود سود ثابت و تضمین شده که بانک‌ها به سپرده‌گذار می‌دهد، این سود صحیح و بدون اشکال شرعی باشد؟ این کار بانک‌ها، ربا یا شبه ربا می‌باشد.

در جواب این شبهه می‌توان گفت: ربا در صورتی رخ می‌دهد که از طرف دهنده قرض، قرض با شرط اضافه صورت گیرد؛ درحالی‌که سپرده‌گذار پول را به‌عنوان سپرده سرمایه‌گذاری در اختیار بانک قرار می‌دهد، مانند این‌که به بانک می‌گوید من این پول را نزد شما به ودیعه می‌گذارم تا شما طبق عقود اسلامی با آن سرمایه‌گذاری و معامله کرده و از سود حاصله حق وکالت خود را برداشته و مابقی را به حساب من واریز کنید؛ بنابراین بانک، پول را به‌عنوان سپرده و نه به‌عنوان قرض دریافت می‌کند.

آنچه معامله را ربوی می‌کند آن است که قرض دهنده در هنگام دادن قرض شرط کند که چیز اضافه‌ای به‌طور ثابت بگیرد، اما این اتفاق در سپرده‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت نمی‌افتد؛ زیرا در قراردادی که شخص در این زمینه با بانک امضا



می‌کند هیچ‌گونه تضمینی بر این‌که سود اضافه مشخصی به مشتری داده شود، وجود ندارد. بانک در تبلیغات سود علی‌الحساب را اعلام می‌کند و این هیچ اشکالی ندارد (توکلی، همان، ۱۳۴).

از طرف دیگر بانک‌ها درآمد خود را مطابق سال‌های گذشته برآورد کرده و سودی که برای سپرده‌گذار تعیین می‌کنند، پایین‌تر از سود حاصل شده است. ضمن اینکه بانک‌ها در هنگام اعطای تسهیلات شرط بیمه کردن اموال مورد معامله را نیز می‌کنند؛ بنابراین ضرری متوجه آن‌ها نمی‌شود. همچنین بانک‌ها به نحو مشاع عمل می‌کنند و اگر یک شعبه ضرر کند، این ضرر از شعب دیگر جبران می‌شود و بانک‌ها در کل ضرر نمی‌کنند که در نتیجه آن بخواهند سود کمتری به مشتری بدهند.

### ۳- سود تسهیلات

یکی از رابطه‌هایی که بین بانک و افراد وجود دارد، اعطای تسهیلات بانکی به مردم می‌باشد. این اعطای تسهیلات، از جانب بانک می‌تواند، به چهار طریق صورت بگیرد:

#### ۳-۱ اعطای وام قرض‌الحسنه

همان‌طور که مردم وجوه مازاد بر مصرف خود را نزد بانک به‌عنوان قرض‌الحسنه می‌گذارند، بانک نیز متقابلاً می‌تواند، مقداری از وجوه جمع‌آوری شده در بانک را، به افراد نیازمند و فقیر به‌عنوان وام قرض‌الحسنه پرداخت نماید (همان، ۲۰۷). بانک با اعطای وام قرض‌الحسنه تنها می‌تواند یک کارمزد حداقلی برای مخارج داخلی خود دریافت کند که این کارمزد نباید به اندازه‌ای باشد که در عرف به آن سود بگویند (مثلاً ۳ یا ۴ درصد در سال).

به‌منظور حصول اطمینان از وصول مطالبات، بانک تضمین کافی از مشتری می‌گیرد و طبق قانون وام قرض‌الحسنه بین دو تا چهاردرصد کارمزد دریافت می‌کند (توکلی، ۱۳۹۲، ۲۲۱).

ماهیت فقهی این قرارداد، قرض بدون بهره است و بانک در مقابل پول قرض داده‌شده سودی نمی‌گیرد، اما در قبال خدماتی که ارائه می‌دهد شرط نکند که آن را در مورد خاصی مصرف‌کنند، مشتری می‌تواند در هر زمینه‌ای که نیاز دارد آن را مصرف نماید.

#### ۳-۲ قراردادهای مبادله‌ای

عقود مبادله‌ای که بر اساس آن بانک مبادرت به اعطای تسهیلات می‌نماید به شرح ذیل است:

#### الف) فروش اقساطی

درفروش اقساطی، بانک اموال موردنیاز مشتری را تا سقف مبلغ تسهیلات تهیه و به‌صورت نسیه‌ای اقساطی با قیمتی بالاتر به مشتری می‌فروشد.

فرایند تسهیلات فروش اقساطی به این صورت است که بانک مبلغ تسهیلات را در اختیار مشتری قرار داده و به وی وکالت می‌دهد که ابتدا کالای موردنیاز خود را، ابتدا برای بانک خریداری نموده و سپس آن را از طرف بانک به‌صورت نسیه‌ای اقساطی به خودش بفروشد. وقتی که مشتری کالا را با پول بانک خریداری و در آن تصرف کرد، فروش اقساطی محقق می‌شود و بانک مستحق سود معین شده می‌شود (موسویان، مجله اقتصاد اسلامی، ۱۹، ۶۳).

#### شرایطی تسهیلات فروش اقساطی

- ۱- مبلغ تسهیلات باید از طرف بانک در اختیار مشتری قرار داده شود.
- ۲- مشتری باید با این پول کالای موضوع قرارداد را به نیت بانک خریداری و از طرف بانک به‌صورت نسیه به خودش بفروشد.
- ۳- کل مبلغ تسهیلات باید صرف خرید کالای موضوع قرارداد گردد و مصرف تمام یا بخشی از آن در غیر موضوع قرارداد اشکال دارد.
- ۴- با مبلغ تسهیلات نمی‌توان سپرده‌گذاری کرد یا آن را در امور بدهی مصرف نمود.

مصرف تمام یا بخشی از تسهیلات دریافتی، در غیر موضوع قرارداد یا پرداخت بدهی و یا واگذاری تسهیلات به شخص دیگر یا هر نوع تعلل در انجام موضوع قرارداد، تخلف محسوب می‌شود.

اگر مشتری قبل از اخذ تسهیلات، کالایی را برای خود خریداری کرده باشد، نمی‌توان آن کالا را موضوع تسهیلات فروش اقساطی محسوب کرد؛ هر چند بابت خرید آن کالا بده کار باشد؛ زیرا در این صورت بانک کالایی به او نمی‌فروشد، بلکه به او پول می‌دهد تا بدهی خود را تسویه نماید و سودی که بانک بابت تسهیلات اخذ خواهد نمود، سود فروش اقساطی نیست بلکه ربای محض است (توکلی، ۱۳۹۲، ۲۷۳).

### **ب) اجاره به شرط تملیک**

اجاره به شرط تملیک بانکی، قراردادی است که به موجب آن بانک (به عنوان موجر)، مال مورد تقاضای مشتری را به صورت اجاره در اختیار وی (مستأجر) قرار می‌دهد و در ضمن آن شرط می‌شود، اگر مستأجر به تعهدات خود (پرداخت به موقع اقساط) عمل نماید، در پایان مدت قرارداد، بانک مال مذکور را به ملکیت مستأجر درمی‌آورد (موسویان، ۱۳۹۰، ۲۲۴).

اجرای این قرارداد دارای سه مرحله است:

- ۱- بانک سرمایه مورد نیاز مشتری را خریداری می‌کند.
  - ۲- این سرمایه را به مدت مثلاً ده سال به مشتری اجاره می‌دهد.
  - ۳- پس از پایان مدت اجاره مال الاجاره را به مالکیت مستأجر در می‌آورد (کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۵۴، ۲۲۸).
- فرآیند پرداخت اجاره به شرط تملیک به این صورت است که مشتری با مراجعه به بانک جهت خرید یک دستگاه آپارتمان تقاضای تسهیلات اجاره به شرط تملیک می‌کند. بانک به وی اختیار می‌دهد تا با وکالت از بانک و با مبلغ تسهیلات و آورده‌ی نقدی خود آپارتمان را خریداری و به عنوان مستأجر بانک در آن سکونت نماید و اجاره‌ی ماهانه را تا مبلغ و مدت معینی که در قرارداد مشخص شده است بپردازد و اگر مشتری اقساط خود را به موقع پرداخت نماید، بعد از اتمام اقساط، سهم بانک از آپارتمان به وی تملیک خواهد شد (همان).
- در عقد اجاره بشرط تملیک، ابتدا احکام عقد اجاره جاری می‌شود، سپس احکام شرط ضمن عقد رعایت می‌گردد و در نهایت احکام بیع در آن جاری می‌شود (موسویان، ۱۳۹۰، ۲۲۵).

### **شرایطی تسهیلات اجاره به شرط تملیک:**

- ۱- فقط کالاهای سرمایه‌ای دارای سند مالکیت مثل منزل مسکونی یا ماشین و... را می‌توان در قالب اجاره به شرط تملیک واگذار نمود.
- ۲- مشخصات کامل کالای مورد اجاره شامل ویژگی‌ها، ابعاد فنی و کیفی کالا، موقعیت مکانی و... باید برای بانک و مشتری معلوم باشد؛ اجاره کالای نامشخص باطل است.
- ۳- مدت اجاره نباید از طول عمر مفید کالای مورد اجاره بیشتر باشد؛ مثلاً ماشینی که عمر مفید آن ۵ سال است را نمی‌توان ۶ ساله اجاره داد.
- ۴- در عقد اجاره به شرط تملیک، مستأجر (تسهیلات گیرنده) فقط حق استفاده از منافع کالا را دارد. بنابراین مستأجر حق ندارد بدون موافقت بانک، عین یا منافع عین مستأجره و یا بخشی از آن را به دیگری واگذار نماید و هرگونه معامله اعم از فروش، رهن، اجاره، وکالت، صلح و...، از نظر بانک باطل و تخلف محسوب شده و طبق قرارداد عمل خواهد شد (توکلی، ۱۳۹۲، ۲۸۱ و ۲۸۲).

### ج) عقد سلف

عقد سلف عبارت است از پیش خرید کردن کالایی که قیمت آن به صورت نقدی پرداخت شده و فروشنده تحویل کالا را در مدت مشخصی به عهده می‌گیرد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ۷۷).

فرآیند پرداخت تسهیلات سلف به این صورت است که بانک کالای مشتری (متقاضی تسهیلات) را از او پیش خرید نموده و مبلغ آن را به صورت نقدی و یکجا به او پرداخت می‌نماید.

مشتری تعهد می‌کند، کالایی را که اوصاف آن در متن قرارداد سلف مشخص شده، در تاریخ معین به بانک واگذار نماید. براساس توافق، مشتری می‌تواند به وکالت از بانک آن کالا را بفروشد و پول بانک را در سررسید پرداخت نماید (موسویان، همان).

### شرایط قرارداد سلف

۱- خصوصیات کالای فروخته شده اعم از تعداد، وزن، مقدار، مدت، مترژ، رنگ و جنس، باید به طور دقیق مشخص شده باشد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ۷۷).

۲- خریدار نمی‌تواند کالای خریداری شده را قبل از تمام شدن مدت بفروشد، ولی بعد از اتمام مدت فروختن آن اشکال ندارد اگرچه آن را تحویل نگرفته باشد.

۳- چنانچه تولیدکننده‌ای در جریان تولید کالا با کمبود سرمایه مواجه شود، می‌تواند از طریق پیش فروش کالای خود، نیاز مالی بنگاه را تأمین نماید.

۴- محصولات باید دارای شرایط زیر باشند: الف: توسط واحد درخواست کننده تولید شود. ب: سریع الفساد نباشد؛ یعنی با توجه به ماهیت و جنس آن به سرعت از بین نرفته و خراب نشود. ج: سهل البیع باشد؛ یعنی پس از اینکه کالا تولید و تحویل بانک شد، فروش آن‌ها به راحتی در بازار امکان پذیر باشد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ۷۷- کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۵۴، ۹۶).

### د) عقد جعاله

یکی از قراردادهای که امروزه در فعالیتهای اقتصادی بویژه خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد جعاله است.

جعاله عبارت است از این که انسان متعهد شود در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند، مال (اجرت) معینی را بدهد (خمینی، ۱۴۱۶، ۱، ۵۳۸). جعاله بانکی قراردادی است که به موجب آن متقاضی تسهیلات (جاعل) متعهد می‌شود در قبال انجام کار یا خدمتی معین توسط بانک (عامل) اجرت معین را به صورت اقساط بپردازد.

فرآیند تسهیلات بانکی به این نحو است که بانک جهت تسهیل انجام جعاله، انتخاب پیمانکار را به جاعل (متقاضی تسهیلات) می‌سپارد تا موضوع قرارداد را به دلخواه و سلیقه خود انجام دهد؛ به این معنا که بانک، مبلغ تسهیلات را به جاعل تحویل داده و به وی وکالت می‌دهد تا با انتخاب پیمانکار مناسب، اجرت او را همراه با سایر هزینه‌های لازم از محل تسهیلات پرداخت نماید تا پیمانکار، خدمت مزبور را به وکالت از بانک برای جاعل انجام دهد.

موضوع تسهیلات جعاله، می‌تواند هر خدمتی باشد که عرفاً در برابر آن اجرت می‌پردازند، مانند خدمات تعمیرمسکن، ماشین‌آلات، درمان، مسافرتی- زیارتی و... (کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۵۴، ۲۲۸).

تسهیلات جعاله به موضوع کار انجام یافته پرداخت نمی‌شود؛ زیرا اگر مشتری قبلاً موضوع جعاله را انجام داده و از بابت آن بدهکار باشد، بانک خدمتی ارائه نمی‌کند تا اجرت آن پرداخت شود. در واقع بانک مبلغی می‌پردازد تا مشتری بدهی خود را تسویه نماید. آنچه بانک می‌پردازد، قرض است و سودی دریافتی ربا می‌شود.

ممکن است اشکالی در جعاله بانکی در ذهن ایجاد شود به این صورت که بانک‌ها وقتی مثلاً صد میلیون تومان به مشتری می‌دهد تا با وکالت از طرف بانک و تعیین پیمانکار به طور قسطی بعد از مدتی یکصد و بیست و پنج میلیون تومان به بانک برگرداند، بانک در اینجا کاری را انجام نمی‌دهد تا مستحق آن وجه اضافه شود و از طرفی دیگر، انجام آن کار را به مبلغ

کمتر (صد میلیون) به پیمانکار واگذار می‌کند که صحیح نمی‌باشد. به عبارت دیگر عمل مورد جعاله به مبلغ کمتر که روایات زیادی بر منع این کار وجود دارد، هرچند این روایات در باب اجاره وارد شده است ولی نامی از اجاره برده نشده است. بنابراین منحصر به اجاره نیست و عمومیت دارد و جعاله را نیز شامل می‌شود. برای برون‌رفت از این مشکل شرعی جعاله در بانک‌ها، چند راهکار پیشنهاد شده است: (مظاهری، ۱۳۸۱، ۹۶-۹۹).

۱- اساسی‌ترین و بهترین راه آن است که بانک‌ها حداقل بخش کوچکی از کار را مورد جعاله را انجام دهند حتی اگر این کار، نظارت فنی و مراقبت و حسن اجرایی عملیات باشد.<sup>۲</sup>

۲- نظریه ایقاع را در خصوص ماهیت جعاله برگزینیم تا کار مورد جعاله مشمول روایات تقبیل (واگذار کردن انجام کار) نباشد.

۳- جعاله ویژه بانکی را نوعی قراردادی جدید مشمول آیه شریفه «اوفوا بالعقود» بدانیم و باید عقود بانکی را از تحت عنوان‌های عقود معین همراه با شروط ضمن عقد خارج دانست چون این‌ها قراردادهای عقلایی مستقلی هستند که نیاز جدید اقتصادی سبب پیدایش آن‌ها شده است (احمدی، ۱، ۳۴۰).

۴- برخی از فقهای معاصر معتقدند ادله حرمت ربا از اشخاص حقوقی در حقوق عمومی (مجموعه مؤسسات وابسته به دولت اسلامی) منصرف است. ربایی که شارع حرام کرده ربایی بین اشخاص حقیقی جریان داشته و مسئله استثمار مطرح بوده اما ربای بانکی برای راه‌اندازی پول‌های سرگردان و ایجاد اشتغال... کار بانک‌ها در واقع منّا الینا است یعنی هیچ‌یک از ملاکات ربا در این نوع معاملات وجود ندارد (معرفت، فصلنامه نقد و نظر، ۲، ۲۹). پس وجهی برای حرمت آن نیست. لذا حکم کرده‌اند که بهره بانکی در بانک‌های دولتی اشکال ندارد. شهید مطهری نیز احتمال می‌دهد که بتوان با الغای خصوصیت از مورد مخصوص که ربا را بین زوج و زوجه و والد و ولد تجویز می‌کند این نظریه را پذیرفت (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۲۲-۱۶۶).

### ه) خرید دین

اگر کسی طلب مدت‌داری از دیگری داشته باشد، می‌تواند، آن را به مبلغی کمتر از مقدار طلب به خود بدهکار یا شخص ثالثی به صورت نقد بفروشد که در اصطلاح به آن خرید دین گفته می‌شود.

خرید دین بانکی، توافقی است که به موجب آن بانک، چک‌های ناشی از معامله‌ای واقعی و مدت‌دار را متقاضی با شخص ثالث را به صورت نقد و به مبلغ کمتر از مبلغ اسمی آن خریداری می‌نماید (توکلی، ۲۹۸، ۱۳۹۲).

منشأ فقهی قرارداد خرید دین: مشهور فقهای شیعه، فروش دین به خود بدهکار و شخص ثالث را جایز می‌دانند (همان، ۲۹۹).

مهم‌ترین کارکرد خرید دین برای تجاری است که در قبال واگذاری کالاهای خود اسناد مدت‌داری را دریافت می‌کنند و نیازی فوری به پول دارند.

چک‌هایی قابل خرید است که سررسید آن‌ها کمتر از یک سال باشد. چنین اوراقی به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی خریداری می‌شود و این تفاوت قیمت نباید بیشتر از نرخ مصوب پول و اعتبار باشد.

### گرفتن سود حلال از گیرندگان تسهیلات بانکی

بسیاری از تسهیلات بانکی بر اساس فروش اقساطی است؛ از این رو آنچه به غلط سود وام شمرده می‌شود، اضافه مبلغ فروش نسبه و قسطی نسبت به مبلغ خرید کالا از سوی بانک است و در تسهیلات جعاله، اجاره به شرط تملیک، مشارکت و فروش اقساطی نیز مشابه این مطلب اتفاق می‌افتد، اما در مورد مضاربه که معروف است سرمایه‌گذار و عامل باید در سود و

<sup>۲</sup> - این راهی است که شورای پول و اعتبار برگزیده و در ماده ۴ دستورالعمل اجرایی جعاله به آن اشاره شده ولی به آن عمل نمی‌شود.

زیان شریک باشند. اگر عامل از راه‌های حقوقی و قانونی بتواند اثبات کند که بدون هیچ‌گونه کوتاهی و تفریطی ضرر کرده و سودی به دست نیاورده است، بانک‌ها موظف هستند که هیچ سودی از گیرنده وام دریافت نکنند، اما در رابطه با اصل وام، شرط ضمن عقد می‌کنند که اگر به هر نحوی خسارتی به اصل وام وارد شد، از اموال خود معادل خسارت را به بانک هبه کند، این مسئله طبق فتوای بعضی فقها بلاشکال است (خمینی، ۱۴۱۶، مساله ۱۴).

اما معمولاً کسانی که از بانک تسهیلات دریافت می‌کنند، یا نمی‌توانند زیان خود را به طریق حقوقی اثبات کنند و یا به سبب آنکه دائماً با بانک در ارتباط هستند، اگر اثبات ضرر کنند در دفعات دیگر به سبب بالا رفتن احتمال ضرر در تسهیلات اعطایی بانک با آن‌ها همکاری نخواهد کرد؛ از این رو خود این افراد به سمت این اثبات ضرر نمی‌روند و در حقیقت به پرداخت سود از اموال خود راضی می‌شوند که مشکلی در صحت اصل عقد به وجود نمی‌آید؛ زیرا قوام یک معامله به صیغه عقدی است که جاری شده یا نوشته می‌شود.

### ۳-۳ قراردادهای مشارکتی

شرکت در اصطلاح فقها یعنی اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به صورت مشاع (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۲، ۱۲۹-خمینی، ۱۴۱۶، ۲، ۳۵۳). که آن شیء واحد می‌تواند عین، دین، منفعت و یا حق باشد (خمینی، همان) قراردادهای مشارکتی چهار نوع است که از نظر فقهای امامیه فقط نوع اول، یعنی «شرکه العنان» یا شرکت در اموال صحیح می‌باشد (محقق حلی، همان، ۱۳۰-خمینی، ۱۴۱۶، ۱، ۵۷۴). اموال و سرمایه که شرکاء برای مشارکت می‌آورند و در مجموع سرمایه شرکت محسوب می‌شود، باید شرایط ذیل را داشته باشد:

- ۱- سرمایه باید عین باشد، از این رو دین و منفعت نمی‌تواند سرمایه شرکت قرار بگیرد.
- ۲- سرمایه باید از جهت جنس و مقدار معلوم و معین باشد؛ بنابراین مال مجهول و نامشخص نمی‌تواند سرمایه شرکت محسوب شود.
- ۳- سرمایه شرکاء باید به گونه‌ای مخلوط شود و ممزوج شود که نتوان عین سهم هریک از شرکاء را تعیین کرد (خمینی، ۱۴۱۶، ۱، ۵۷۴ و ۲، ۲۵۳- نظرپورو موسویان، ۱۳۳۹، ۲۰۷).

### الف) مشارکت مدنی

مشارکت مدنی قراردادی است که به موجب آن بانک و اشخاص حقیقی و حقوقی، سرمایه‌های نقدی یا غیر نقدی خود را به صورت مشاع به هم می‌آمیزند و با این سرمایه مشترک در مدت معین به فعالیت‌های اقتصادی شرعی و قانونی در زمینه احداث پروژه و یا بازرگانی اقدام نموده و منافع حاصله به نسبت که در قرارداد معین شده بین بانک و شرکا تقسیم می‌شود (توکلی، ۱۳۹۲، ۱۸۹).

در تسهیلات مشارکت مدنی، نرخ سود که در ابتدای قرارداد تعیین می‌شود انتظاری است؛ یعنی انتظار می‌رود که فعالیت اقتصادی موضوع مشارکت در مدت قرارداد به همان میزان سودآوری داشته باشد؛ لذا سود محقق شده در پایان مشارکت ملاک تسویه مشارکت می‌باشد، نه سود انتظاری.

در پایان مدت قرارداد اگر سود قطعی به دست آمده بدون کوتاهی یا تخلف شریک، کمتر از سود انتظاری باشد، بانک تسویه قرارداد را با سود کمتر از سود انتظاری قبول نماید.

اگر سود قطعی بیشتر از سود انتظاری باشد، با توافق بانک و شریک بخش کمی از آن دریافت و بخش قابل توجهی در حق شریک صلح می‌گردد.

## فرایند انجام مشارکت مدنی

در مشارکت مدنی سهم آورده هریک از شرکا باید معلوم و معین گردد.

در مشارکت مدنی، شریک متعهد می‌شود در که در صورت وارد شدن هرگونه ضرر و زیان به اصل سرمایه بانک، آن را از مال خود جبران نماید.

در مشارکت مدنی، به موجب قرارداد، شریک متعهد می‌شود که در پایان مدت قرارداد سهم الشرکه بانک از پروژه احدائی که شامل اصل سرمایه بانک و سهم بانک از سود انتظاری محقق شده در قرارداد می‌شود را خریداری نماید. در قرارداد مشارکت مدنی ویژه خدمات و بازرگانی، با توجه به عدم وجود پروژه احدائی، شریک متعهد است سهم الشرکه بانک را به صورت نقدی تسویه نماید.

طرحی که تقاضای مشارکت روی آن شده، بایستی توسط بانک بررسی شده و اطمینان حاصل شود که اصل سرمایه و سود مورد انتظار بانک در زمان تعیین شده قابل برگشت و تسویه است؛ بنابراین نحوه تسویه مشارکت مدنی باید در قرارداد مشخص شود. حداکثر سهم مشارکت بانک معادل هشتاد درصد کل سرمایه مشارکت است و از آنجایی که مدیریت مشارکت و انجام اعمال و اقدامات موضوع آن، معمولاً به متقاضی تسهیلات محول می‌شود؛ لذا قانون بانک را مکلف کرده که بر حسن اجرای قرارداد نظارت نماید.

آنچه به عنوان تسهیلات مشارکت داده می‌شود، باید در موضوع آن مصرف و نمی‌توان با آن بدهی‌های شخصی را پرداخت کرد، مگر اینکه بدهی‌ها ناشی از مشارکت باشد. به طور مثال شخصی در زمینی به ارزش کارشناسی دویست میلیون تومان قصد دارد با مشارکت بانک آپارتمانی را احداث نماید. با انجام فرایند ذیل مشارکت محقق می‌گردد:

۱- بانک با اعطای تسهیلات مشارکت، سهم خود را با سهم شریک درآمیخته و با ایجاد مال مشاع، مشارکت حاصل می‌گردد.

۲- شریک در قرارداد متعهد می‌شود که در مدت معین آمار تمان را بسازد.

۳- پس از اتمام موضوع مشارکت، سهم طرفین مشخص می‌گردد و با تقسیم مشارکت و خرید نقدی یا اقساطی سهم بانک توسط شریک، شرکت تسویه می‌گردد.

### حکم فقهی سود در عقود مشارکتی

عقود مشارکتی با شرایطی مخصوص به خود (که از ذکر آن صرف نظر می‌شود) از نظر شرعی صحیح و حلال بوده و سود حاصله از آن نیز صحیح و حلال است.

سود و زیان در شرکت مدنی، برحسب میزان سرمایه وارده هر شریک، نسبی و درعین حال الزامی است. شرکا در سود و زیان حاصل از فعالیت شرکت سهیم‌اند و حق ندارند، سود یا زیان را ویژه یکی از شرکا بدانند.

اساس و بنیان شرکت بر پایه تفاهم شکل گرفته است و نهادن بار زیان بر روی دوش یکی از طرفین آن، مخالف مقتضای شرکت است. اصولاً در عقود مشارکتی، تعیین سود به اصطلاح ابزاری، صحیح و یا لاقابل، الزام آور به نظر نمی‌رسد تا به سبب برآورده نشدن آن، حق مطالبه‌ای برای بانک ایجاد شود.

در پایان مدت قرارداد، پس از وضع تمامی هزینه‌های مشارکت، مانده حساب مشترک مشارکت، پس از برداشت سرمایه هریک از شرکا، نشان‌دهنده سود مشارکت می‌باشد و سود مذکور به نسبت درصد معین سهم بانک و درصد مشخص سهم شریک بین بانک و شریک تقسیم خواهد شد.

فقط در رابطه با اصل مشروعیت و جواز عقود مشارکتی اختلاف نظر نداشته و آن را قبول دارند؛ و هر کدام نظر و دیدگاه خاصی داشته باشند در رابطه با کیفیت محاسبه و توزیع سود شرکت می‌باشد.

۱- محقق حلی در این زمینه می‌فرماید: «و يتساوى الشريكان فى الربح والخسران... و كذا عليه من الخساره» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۳۷۵). یعنی دو شریک در سود و زیان شرکت با یکدیگر مساوی هستند در صورتی که سرمایه آن‌ها نیز مساوی باشد و اگر یکی از آن‌ها سرمایه بیشتری داشته باشد به اندازه سرمایه افزوده سود او نیز افزایش می‌یابد چنان چه در صورت وارد شدن زیان، خسارت او نیز افزوده می‌شود.

۲- صاحب جواهر در شرح عبارت فوق فرموده: «در این مسئله اختلافی نیست بلکه اجماع به دو قسم آن (منقول و محصل) در این مورد ثابت است بلکه احادیث متواتر یا مستفیض نیز مؤید آن است، بلکه مقتضای قواعد مذهب و اصول عقلی نیز همین است» (نجفی، ۲۶، ۳۰۰).

### ۳- عقد مضاربه

عقد مضاربه، نخستین جایگزینی است که نظر اندیشه وران اسلامی را در مباحث جایگزین بانکداری ربوی بخود جلب کرده است.

مضاربه عقدی است که به موجب آن یکی از دو طرف معامله سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و سود حاصله میان آن دو به نسبت معینی تقسیم گردد. صاحب سرمایه، مالک و عامل مضارب نامیده می‌شود (خمینی، ۱۴۱۶، ۱، ۵۸۸).

بنابراین، عقد مضاربه در اصطلاح فقه اسلامی، عقد مخصوص مالک و عامل است؛ صاحب سرمایه با عامل به این صورت عقد تجارت می‌بندند که سرمایه ازمین و کار از شما و سود هر کدام به نسبت درصدی معین می‌گردد (آیت الله فیاض، ۱۳۸۹، ۵۹) غالباً اجرای عقد مضاربه بین مالک و عامل به صورت مستقیم صورت می‌گیرد، اما گاه شخصی سومی بین آن‌ها واسطه می‌شود و عقد مضاربه را با وکالت از سوی صاحب سرمایه با عامل اجرا می‌کند؛ در این بین، واسطه بانک است.

### ویژگی‌های قرارداد مضاربه

۱- سرمایه مضاربه باید وجه نقد باشد؛ افزون بر این که سهم هر یک از مالک و مضارب در سود باید جزئی مشاع از کل منافع باشد.

۲- بانک‌ها در امر واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نیستند؛ غیر از این مورد بانک‌ها برای انجام هر تجارتی مجاز به اعطای تسهیلات مضاربه هستند.

۳- اگر در قرارداد مضاربه زمان تعیین نشود، می‌توان تا هر زمان استمرار داشته باشد؛ اما در بانک حداکثر مدتی که سرمایه مالک می‌تواند در اختیار عامل قرار بگیرد، یک سال از تاریخ انعقاد آن است.

۴- تسهیلات که به عنوان مضاربه به عامل داده می‌شود به صورت امانت در اختیار ایشان بوده و باید آن را در موضوع مورد توافق به کار گیرد؛ لذا مصرف آن در موضوعات دیگر و یا پرداخت دیون شخصی جایز نیست (کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۸۴، ۹۷).

سودی که در برابر تسهیلات گرفته می‌شود از سود محقق شده است، لذا اگر هیچ سودی محقق نشود، بانک نمی‌تواند هیچ سودی را از عامل مطالبه کند، مگر اینکه تخلفی صورت گرفته باشد که در این صورت طبق قرارداد، جریمه و وجه التزام تخلف گرفته خواهد شد؛ اما آیت الله فیاض می‌فرماید: «بانک از آنجا که طرف قرارداد نیست، قرارداد یادشده، وی را در سود شریک نمی‌کند و حق دارد در برابر این کار خود، مزدی دریافت کند که از لحاظ فقهی یا براساس جعاله مستحق دریافت کارمزد می‌گردد؛ یا براساس اجاره مستحق کارمزد می‌شود، یا براساس شرط نتیجه مستحق اجرت می‌باشد، و یا براساس اجرت المثل مستحق اجرت است» (آیت الله فیاض، ۱۳۸۹، ۷۰-۶۷).

## نتیجه گیری

مفهوم سود، مفهومی است که همگی از آن یک برداشت سطحی دارند و آن عبارت است از «درآمدی که در نتیجه فعالیت و کار اقتصادی به دست آید». واژه سود با مفاهیم دیگر همچون نفع، عائد، ربح و... اشتراک معنوی ولی با مفهوم ربا و بهره تفاوت‌هایی دارد.

سود بانکی می‌تواند از طریق ۱- وام قرض‌الحسنه با سازوکارهای مخصوص به خود ۲- قراردادهای مبادله‌ای که شامل تسهیلات اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف (پیش‌پرداخت)، جعاله و خرید دین می‌شود ۳- عقود مشارکتی که (از نظر فقها امامیه فقط شرکت در اموال صحیح است) شامل عقود مشارکت مدنی، مضاربه و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌شود. از زاویه دیگر عقود مشارکتی به مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی تقسیم می‌شود. هرکدام از این تسهیلات و مشارکت‌های بانکی در حوزه و محدوده خودش با رعایت شرایط عمومی و خصوصی موجب سودآوری شرعی و حلال می‌شود.

## منابع

### ❖ قرآن کریم

### ❖ نهج البلاغه

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقائیس اللغة، مکتبه الاعلام الاسلامی، بی‌جا، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر أدب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.
۳. احمدی، حسینعلی، منفعت در عقود بانکی، مسائل مستحدثه (مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی<sup>(ره)</sup>)، ج ۱.
۴. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱.
۵. آیت الله فیاض، محمد اسحاق، بانک از نگاه اسلام، ترجمه: محمد جواد برهانی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.
۶. تسخیری، محمدعلی، «اقتصاد اسلامی» مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی، چاپ ۲، ۱۳۹۰.
۷. توکلی، محمد جواد، سازوکار بانکداری اسلامی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۲.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ ۱۳، تهران، ۱۳۸۲.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، انتشارات امیری، تهران، چاپ ۱، ۱۳۶۸.
۱۰. جهانخانی، علی و پارسائیان، علی فرهنگ اصطلاحات مالی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، نشر و چاپ بازرگانی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تفصیل الشریعه، آل البیت، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلام وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، ۱۳۴۵.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالعلم - الدار الشامیة، لبنان، چاپ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. زبیدی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، چاپ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. شرتونی، سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصیح و الشوارد، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۳۰۴ ق.
۱۷. شهید صدر، محمد باقر، البنک اللاربوی فی الاسلام، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دار المعرفه، الطبعة الثانیة، بیروت - لبنان، ۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۸ م.
۱۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، ۶ جلد، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ ۳، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. عبد الرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، ج ۲، بی‌تا.
۲۱. فخر رازی، فخر الدین محمد عمر، «تفسیر الکبیر»، دار احیاء تراث العربی، الطبعة الثالثة، بی‌تا.



۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبع الاولی، بیروت-لبنان، ۱۴۰۸ ق-۱۹۸۸ م.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دارالرضی، قم، بی تا.
۲۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ۶، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. کرمی، محمدمهدی و نبی زاده، محمدپورمند، مبانی فقهی اقتصاداسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، تهران، چاپ ۶، ۱۳۸۴.
۲۶. کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، عالم الکتاب، بیروت - لبنان، چاپ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البیت<sup>(ع)</sup> لاحیاء التراث، قم، الطبع الاولی، ۱۴۰۸ ق.
۲۸. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. محقق حلی، جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثالثة، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. مطهری، مرتضی، مسئله ربا و بانک، انتشارات صدرا، چاپ مؤسسه فجر، چاپ ۱۳، قم، ۱۳۸۳.
۳۱. مظاہری، رسول، جعاله در بانکداری اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
۳۲. معرفت، محمد هادی، نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد در نظرخواهی از دانشوران، فصلنامه نقد و نظر، سال ۲، شماره ۲۹.
۳۳. معصومی نیا، غلام علی، ابزارهای مشتقه بررسی فقهی و اقتصادی، فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ۲، ۱۳۸۹.
۳۴. معین، محمد، فرهنگ معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۴، چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۶۰.
۳۵. مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد و حاشیه الارشاد، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلامی الاسلامی، الطبع الاولی، قم، ۱۴۱۸ ق-۱۳۷۶.
۳۶. موسویان، سیدعباس ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، چاپ ۱ و ۴، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰.
۳۷. موسویان، سیدعباس، ارزیابی قرار دادها و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
۳۸. نجفی محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء تراث العربی، چاپ ۷، بیروت-لبنان، بی تا.
۳۹. نظریور، محمدنقی و موسویان، سیدعباس، بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه، دانشگاه مفید و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع مصلحت تشخیص نظام، چاپ ۱، قم، ۱۳۳۹.